



## تأثیر مالیات بر شرکت ها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی

جمشید پژویان<sup>۱</sup> - تانیا خسروی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۶

### چکیده

سرمایه گذاری از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی می باشد، لذا توجه به رشد و گسترش سرمایه گذاری بخش خصوصی و عوامل مؤثر بر آن حایز اهمیت است. مالیات بر شرکت ها علاوه بر منبع کسب درآمد برای دولت، بر سرمایه گذاری بخش خصوصی اثرگذار می باشد. لذا، در این مطالعه اثر مالیات بر شرکت ها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی بررسی گردیده است. روش جمع آوری اطلاعات و آمار به صورت کتابخانه ای بوده و براساس آمارهای سری زمانی ۸۹-۱۳۵۳ از بانک مرکزی و اداره کل امور مالیاتی، اخذ گردید.

در قالب یک الگو سرمایه گذاری نئوکلاسیکی، تأثیر متغیرهای توضیحی سرمایه گذاری بخش دولتی، مالیات بر شرکت ها، تورم، نرخ بهره، تسهیلات و دو متغیر مجازی سیاست های اصلاحی دولت و صندوق ذخیره ارزی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM و نرم افزار Eviews، برای اقتصاد ایران، برآورد گردید. سرمایه گذاری بخش دولتی، مالیات بر شرکت ها، تورم و نرخ بهره رابطه منفی با سرمایه گذاری بخش خصوصی داشته، اما تسهیلات، سیاست های تعدیل و صندوق ذخیره ارزی، تأثیر مثبت بر روی سرمایه گذاری خصوصی داشته اند. با توجه به رابطه معکوس میان سرمایه گذاری و مالیات بر شرکت ها، اعمال معافیت های مختلف مالیاتی در بحث مالیات بر شرکتها، تعیین نرخ استهلاك بیش از نرخ استهلاك واقعی اقتصادی، سرعت بخشیدن به استهلاك قابل قبول، استفاده از نرخ زولی مالیات بر شرکت ها پس از چند نرخ تصاعدی و به طور کلی بازنگری در قوانین مالیاتی، اعمال سیاست هایی که باعث کاهش تورم و نرخ بهره گردد، در جهت تشویق سرمایه گذاری می تواند مؤثر واقع گردد.

طبقه بندی JEL: E62, B23

واژگان کلیدی: مالیات بر شرکت ها، نرخ مالیات، نرخ مؤثر مالیات، پایه مالیاتی.

<sup>۱</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

<sup>۲</sup> دانش آموخته مقطع دکتری اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ta\_khosravy@yahoo.com

## ۱- مقدمه

با تکامل مناسبات و تحولات اجتماعی در جوامع انسانی، لزوم توجه به حدود و وظایف اختیارات دولت ها، از اهمیت خاصی برخوردار است، با عنایت به اینکه کارایی بخش خصوصی بیشتر بوده و دولت ها در حال کوچک شدن می باشند، اما به هر حال چه در دولت های روبه گسترش و چه در دولت هایی که به سمت کوچک شدن می روند؛ قطعاً نیاز به درآمدهای مناسب وجود دارد. مالیات ها مهمترین، منبع کسب درآمد برای دولت می باشند، علاوه بر آن ابزار مهم به کارگیری سیاست های مالی دولت نیز می باشند، از آنجا که مالیاتها، تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار می دهند، آثار مهمی بر متغیرهای واقعی اقتصادی خواهند داشت. هدف دولت از وضع مالیات بر پایه های مختلف مالیاتی، صرفاً کسب درآمد بیشتر نیست، به همین دلیل در وضع مالیات بر هر پایه ای باید مقولات مربوط به آثار اقتصادی آن مورد توجه قرار گیرد و ترکیبی از مالیاتها را انتخاب نماید که آثار تخریبی کمتر داشته باشند، که در مجموع، اضافه بار مالیاتی را کاهش دهد. یکی از انواع مالیاتهای مستقیمی که اثرات مهمی بر متغیرهای واقعی اقتصاد به جا خواهد گذاشت، مالیات بر شرکت ها می باشد. در عمده کشورهای جهان، مالیات بر شرکت ها، بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می دهند. مالیات بر شرکت ها، به طور عمده، مالیات بر سود است که تخریب آن کمتر از مالیات بر پایه های دیگر مالیاتی است. همچنین مالیات بر شرکت ها بر اساس اصل فایده در پرداخت مالیات می باشد، شرکت ها در بسیاری موارد، از کالا و خدمات فراهم شده به وسیله دولت، بهره بیشتری می برند، در نتیجه بهای آن را با مالیاتی مجزا باید بپردازند. این نوع مالیات بر متغیرهای واقعی اقتصاد، از جمله سرمایه گذاری و تولید، تأثیر خواهد گذاشت. اینکه مالیات بر شرکت ها، چه آثاری بر ساختار اقتصاد، سرمایه گذاری و رشد، دارد؛ بسیار حایز اهمیت می باشد. یکی از مشکلات جدی اقتصاد ایران، سرمایه گذاری است، به خصوص سرمایه گذاری بخش خصوصی که تمایل به این امر، تحت تأثیر عوامل مختلف، بسیار پایین است و مالیات بر شرکت ها می تواند این عدم تمایل را تشدید نماید. از آنجا که تغییرات سرمایه گذاری آثار مهم اقتصادی، اجتماعی و... دارد و کاهش آن لطمات جبران ناپذیری در اقتصاد و اجتماع به بار خواهد آورد و افزایش آن سبب کاهش بیکاری « که زیان های اجتماعی

فراوان و عمیق به دنبال دارد» می‌گردد. لذا نظریه‌های سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- نظریه‌های سرمایه‌گذاری

#### ۲-۱-۱- نظریه یا اصل شتاب

اصل شتاب پیش از اینکه یک نظریه کامل سرمایه‌گذاری باشد، یک توضیح از سیکل‌های تجاری بوده است، به ویژه توسط هارود<sup>۱</sup>، برای تحلیل سیکل‌های تجاریه کار برده شده و توسط ساموئلسون<sup>۲</sup>، ارتباط متقابل بین اصل شتاب و مفهوم ضریب تکاثر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### ۲-۱-۲- نظریه نئوکلاسیکی سرمایه‌گذاری

نظریه نئوکلاسیک سرمایه‌گذاری که توسط جورجسون<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد، به دنبال آن بود که رفتار سرمایه‌گذاری را با استفاده از نظریه بهینه‌سازی متعارف در اقتصاد خرد توضیح دهد، همچنین نظریه کامل تری نسبت به نظریات شتاب و نظریه کینز باشد. اساس این نظریه نئوکلاسیک سرمایه‌گذاری، آن است که برای تعیین موجودی مطلوب سرمایه‌نیاز به توسل به فروض غیر واقعی مانند ثابت بودن نسبت سرمایه به تولید نیست، بلکه موجودی مطلوب سرمایه با استفاده از اصول بهینه‌سازی تولید در اقتصاد خرد قابل استخراج است.

#### ۲-۱-۳- نظریه سرمایه‌گذاری $q$

در سال ۱۹۲۶، نظریه‌ای برای تحلیل سرمایه‌گذاری توسط جیمز توین<sup>۴</sup> ارائه شد که عمدتاً بر بازار سهام و قیمت‌گذاری سهام در آن تمرکز دارد. این نظریه، دیدگاهی را در مورد تصمیمات سرمایه‌گذار، در انتخاب پروژه سرمایه‌گذاری مطرح می‌کند که در مقایسه با الگو اصلی شتاب عقلایی تر به نظر می‌رسد، بدین معنی که این نظریه به طور

<sup>1</sup> Harrod

<sup>2</sup> Samuelson

<sup>3</sup> Jorgenson

<sup>4</sup> Tobin

اجمال به سه جنبه فراموش شده در الگو اصل شتاب اشاره می کند. یکی از این موارد مسئله وقفه ها و هزینه های تعدیل است که در زمان سرمایه گذاری این محدودیت ها باید در نظر گرفته شود. دومین نکته مربوط به شکل گیری انتظارات مربوط به هزینه ها و دریافت های آینده است و بالاخره سومین نکته، ناظر بر ریسک و ارزیابی آن توسط بازار است.

#### ۲-۱-۴- الگوی جریان نقدی سرمایه گذاری

تفاوت الگو جریان نقدی با الگو های قبلی سرمایه گذاری در تشخیص این واقعیت نهفته است. که سرمایه گذاران به سه منبع اصلی وجوه مالی متکی اند. جریان نقدی داخلی، اوراق قرضه و فروش سهام و اینکه هزینه استفاده هریک از این منابع، میزان درآمد و بازدهی این منابع را نشان می دهد. جریان نقدی برای بنگاه های اقتصادی در واقع از سود بعد از پرداخت مالیات به اضافه ذخیره استهلاک صورت می گیرد، که با پرداخت سود سهام کمتر به سهامداران تأمین مالی می شود.

#### ۲-۱-۵- الگوی خود همبستگی

شیوه الگوی خود همبستگی بر پایه عدم به کارگیری تولید، قیمت ها یا مالیات ها برای توضیح مخارج سرمایه گذاری مبتنی است، سرمایه گذاری با یک تأخیر از طریق مخارج سرمایه گذاری گذشته توضیح داده می شود. نتایج مطالعات در نظریه های سرمایه گذاری کلاسیکی، نئوکلاسیکی و کینزی نشان می دهد که انواع گوناگون نظریه های سرمایه گذاری که برای مسایل متفاوتی تنظیم و طراحی شده اند در واقع مکمل یکدیگر بوده و تناقضی بین آنان وجود ندارد. به طور کلی از مجموعه نظریات سرمایه گذاری استنتاج می شود که، ادبیات اقتصادی سرمایه گذاری کاملاً غنی است و انواع مختلف این الگو ها با درصدی از موفقیت برای کشورهای مختلف به کار گرفته شده است.

#### ۲-۲- عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری

سرمایه گذاری یکی از مهمترین اجزای تقاضای کل است که نقش بسیار تعیین کننده ای در نوسانات اقتصادی و رشد اقتصادی یک کشور ایفا می کند، در نظریه های تقاضای کل، مصرف روند با ثباتی را طی می کند و مخارج دولتی نیز یک متغیر سیاست گذاری

است که کنترل آن در دست دولت قرار دارد، بنابراین تنها متغیر پر تلاطم تقاضای کل که نقش عمده‌ای در ایجاد نوسانات دارد، سرمایه‌گذاری خصوصی است، لذا شناخت رفتار سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بر آن، بسیار مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. در ادبیات اقتصادی، بحث سرمایه‌گذاری بسیار غنی بوده و سرشار از منابع نظری تجربی در کشورهای توسعه‌یافته است. به دلیل ساختار متفاوت کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته با توجه به اینکه بعضی از فروض اساسی لازم در تحلیل رفتار بهینه سرمایه‌گذاری مانند وجود بازارهای مالی نسبتاً کارا و عدم کنترل‌های شدید توسط دولت در کشورهای توسعه‌نیافته فراهم نمی‌باشد، همچنین نظریه‌های سرمایه‌گذاری موجود بیشتر به تحلیل سرمایه‌گذاری خصوصی می‌پردازند و بحث‌چندانی از سرمایه‌گذاری دولتی به عمل نمی‌آید، حال آنکه در کشورهای توسعه‌نیافته، دولت نقش قابل توجهی در تشکیل سرمایه دارد؛ لذا تحلیل دقیق اقتصاد خرد در مباحث مربوط به سرمایه‌گذاری، در کشورهای در حال توسعه‌ای مثل ایران امکان‌پذیر نمی‌باشد. اما با تکیه بر مباحث نظری مطرح شده و مطالعات تجربی صورت گرفته برای کشورهای توسعه‌نیافته عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری که در مطالعات انجام شده در این کشورها بیشتر مورد تأیید قرار گرفته‌اند، در نظر گرفته شده است.

## ۲-۲-۱- سرمایه‌گذاری دولتی

براساس مبانی نظری این متغیر از طریق تأثیری که به طور مستقیم بر روی بازدهی سرمایه‌گذاری خصوصی به جا می‌گذارد، بر سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیر خواهد داشت. در مورد اینکه مخارج دولتی، چه به صورت مخارج سرمایه‌ای و چه به صورت مخارج مصرفی از نظر مالی، باعث جانشینی مخارج سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود، هیچ تردیدی وجود ندارد. سرمایه‌گذاری دولتی باعث جانشینی مخارج سرمایه‌ای دولت به جای مخارج سرمایه‌ای خصوصی می‌شود و مخارج سرمایه‌ای دولتی یک نوع برون‌رانی به همراه دارد، اما سرمایه‌گذاری دولتی در امور زیر بنایی مانند بزرگراهها، فرودگاهها، سیستم‌های آبرسانی و غیره، دارای یک رابطه مکمل با سرمایه‌گذاری خصوصی می‌باشد. به طور کلی متغیر مخارج دولت به نفع زیرساخت‌های اساسی (جاده، بنادر، پل‌ها، ارتباطات، آموزش و پرورش، بهداشت و...) باعث افزایش عرضه مؤثر سرمایه و نیروی کار

می‌گردد، سرمایه‌گذاری دولتی بالاتر در چنین مواردی، بازدهی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش می‌دهد و از این طریق در واقع به جای برون‌رانی<sup>۱</sup>، سرمایه‌گذاری خصوصی توسط سرمایه‌گذار دولتی عملاً درون‌رانی<sup>۲</sup> وجود دارد، که این گونه سرمایه‌گذاری دولتی منجر به تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی می‌گردد.

### ۲-۲-۲- مالیات بر شرکت‌ها

یکی از پایه‌های عمده مالیاتهای مستقیم مالیات بر درآمد شرکتها می‌باشد که شامل مالیات بر شرکت‌های دولتی و مالیات بر شرکت‌های غیر دولتی می‌باشد. صورت عمده اعمال مالیات بر سود، در مورد شرکت‌ها می‌باشد و در عمده کشورهای جهان، مالیات بر شرکتها بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می‌دهد. شرکت یکی از راههایی است که افراد مالکیت بر داراییها را به دست می‌آورند، در نتیجه مالیات بر درآمد شرکتها مانند مالیات بر درآمد صاحبان شرکتها یا بر عوامل آنهاست. اگر عوامل تولید از بخش شرکتها به غیر شرکتها بتوانند جا به جا شوند مالیات به کل اقتصاد منتقل می‌شود، از جهت دیگر چون در عمده کشورها مالیات بر مجموع درآمدها وجود دارد، مالیات بر شرکتها یک مالیات مضاعف محسوب می‌گردد. عمده‌ای موافق مالیات بر شرکتها بوده، اعتقاد دارند که به فعالیت شرکتها به صورت مجزا می‌توان نظر افکند و نباید مالیات بر شرکتها به مثابه مالیات بر درآمد یا دیگر درآمدهای مالیاتی باشد. مالیات بر شرکتها به طور عمده مالیات بر سود است که تخریب آن کمتر از مالیات بر پایه‌های دیگر مالیاتی است. وجود شرکت‌های بسیار بزرگ که سهام‌داران، کنترل‌چندانی بر آنها ندارند دلیل دیگری برای طرفداران مالیات بر شرکتهاست که برای این شرکتها ویژگی دیگری غیر از مجموعه سهامداران آن قایل می‌شوند. مخالفین مالیات بر شرکتها بیان می‌کنند که مالیات بر شرکتها توسط افراد پرداخت می‌شود و هرگز نمی‌توان تصور نمود که شخصیت حقوقی یا فیزیکی یک شرکت مالیات پردازد، موافقین در مقابل، به جنبه مالیات بر سود در مورد شرکتها تأکید می‌کنند که چون این مالیات بر سود است به مصرف‌کنندگان و مزدبگیران منتقل نمی‌شود. مالیات بر شرکتها بر اساس اصل فایده در پرداخت مالیات می‌باشد، شرکتها در بسیاری از موارد از کالا و خدمات فراهم شده به وسیله دولت بهره بیشتری می‌برند، در نتیجه بهای

<sup>1</sup>Crowding out

<sup>2</sup>Crowding in

آن را با مالیاتی مجزا باید پردازند. همچنین مالیات بر شرکتها به عنوان ابزار کنترلی می‌باشد که اثراتی همچون کنترل انحصار، محدودیت در اندازه بنگاه، تأثیر بر سرمایه‌گذاری و تأثیر بر پس انداز را دارا می‌باشد. مالیات بر سود شرکت‌ها، در ساختار مالی (پرتفولیو) شرکت اثر می‌گذارد و از طرف دیگر در سطح تولید، قیمت بازار و تکنیک تولید، می‌تواند اثر گذار باشد. این مالیات می‌تواند در مقدار سود توزیع شده، وام دریافتی، توسعه افقی و عمودی، تمرکز، سهام و... اثر گذار باشد؛ بازده خالص سرمایه را کاهش داده و در نهاده بری تولید، اثربخش می‌باشد، همچنین هزینه استفاده از سرمایه را افزایش می‌دهد و از این نظر تأثیر منفی روی سرمایه‌گذاری و تولید خواهد داشت. مالیات بر شرکت‌ها، در شرایط سود خالص، که به سود مارشالی شهرت دارد؛ هیچ تأثیری بر سرمایه‌گذاری و سطح تولید، نخواهد داشت؛ اما در شرایط حضور سود ناخالص، بر جریان حقیقی شرکت، یعنی بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. نحوه برخورد مالیات با سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه، اثرات قابل ملاحظه‌ای برای هزینه استفاده از سرمایه دارد؛ هزینه سرمایه‌گذاری، موجودی سرمایه مطلوب و ظرفیت تولیدی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. معافیت استهلاك نیز، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد، بنابراین هر چقدر استهلاك بیشتر باشد، نرخ مؤثر مالیاتی کمتر خواهد بود و صرفه جویی مالیاتی برای سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود. چنانچه سرمایه‌گذاری‌ها نسبت به هم متفاوت و طول عمر مختلفی داشته باشند، ترکیبات مختلف مالیات و نرخ استهلاك، بر تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری مؤثر خواهد بود. اگر استهلاك سریع باشد، هرچه سرمایه‌گذاری بلندمدت‌تر، سود بیشتر است و نرخ مؤثر مالیاتی کمتر خواهد بود، در نتیجه روند سرمایه‌گذاری تغییر کرده و جریان سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت حرکت خواهد نمود. دولت با اعمال معافیت‌های مختلف مالیاتی، تعیین نرخ استهلاك بیش از استهلاك واقعی اقتصادی، یا با سرعت بخشیدن به استهلاك قابل قبول، باعث تشویق سرمایه‌گذاری می‌گردد، که این مسئله ممکن است درآمد مالیاتی را در دوره مورد نظر کاهش دهد، اما با تشویق و افزایش در سرمایه‌گذاری، درآمدهای مالیاتی آینده افزایش خواهد یافت.

بر اساس مبانی نظری، مالیات بر شرکت‌ها بر سطح تولید و سرمایه‌گذاری تأثیر دارد. مالیات بر شرکت‌ها بر جریان حقیقی شرکت یعنی بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. از نظر نظری سرمایه‌گذاری تا زمانی ادامه دارد و انجام می‌شود که:

$$p \cdot \frac{dF}{dK} \geq r + \gamma$$

$$p \cdot MP_k \geq r + \gamma$$

$$V \cdot MP_k \geq r + \gamma \quad (1)$$

باشد، که در آن:

$MP_k = \frac{dF}{dK}$  تولید نهایی سرمایه  $VMP_k$ ، تولید نهایی سرمایه  $P$ ، نرخ تنزیل  $\gamma$ ، نرخ استهلاک اقتصادی

حال چنانچه مالیات بر سرمایه برقرار شود خواهیم داشت:

$$P \cdot \frac{dF}{dK} \geq r(1 + t_c) + \gamma$$

$$VMP_k \geq r(1 + t_c) + \gamma \quad (2)$$

روشن است که با فرض ثابت بودن  $P$ ،  $\frac{dF}{dK}$ ،  $\gamma$  و با مقایسه معادلات (۱) و (۲) ملاحظه می‌گردد؛ با ورود مالیات، میزان سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

## ۲-۲-۳- تورم

تورم به عنوان اساسی‌ترین معضلات در طول حیات اقتصادی هر کشور شناخته می‌شود. تورم، افزایش مداوم در سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش مستمر در قدرت خرید پول یک کشور می‌باشد که هزینه‌های جدی بر جامعه تحمیل خواهد کرد. تورم ملایم و نه چندان زیاد پدیده‌ای طبیعی بوده و به نظر می‌رسد اختلالی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری خصوصی ایجاد نمی‌کند، موقتاً نرخ سود و سهم صاحبان بنگاه‌ها را افزایش داده و شرایط مساعدی برای پس‌انداز و به تبع آن سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند و تورم از نظر تغییر توزیع درآمد به نفع صاحبان سود و از کانال ایجاد پس‌انداز، شرایط مساعدی برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. این پدیده در سطوح بالا، علاوه بر آنکه نظام قیمت‌ها را



مختل می‌کند، باعث کاهش پس‌اندازها، از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه از بخش دولتی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و دلالی می‌گردد، ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد اما برای فعالیت‌های تجاری و خدماتی زود بازده به همراه افزایش ریسک، نرخ بازدهی را به شدت افزایش می‌دهد، که این فعالیت‌ها محتاج سرمایه در گردش هستند. تورم، ارزش فعلی سرمایه‌گذاری‌هایی که با چند دوره تأخیر به بازدهی می‌رسند را کاهش می‌دهد و باعث ضرر و زیان به سرمایه‌گذاری‌های دیر بازده می‌شود. تورم و تغییرات زیاد آن موجب عدم اطمینان و در نتیجه سلب انگیزه و تأخیر در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری می‌شود و تخصیص منابع را دچار اختلال می‌کند، همچنین به سوددهی سرمایه‌گذاری‌تأثیر منفی دارد.

#### ۲-۲-۴- نرخ بهره

برای نشان دادن رابطه سرمایه‌گذاری و نرخ بهره دو روش مطرح می‌باشد که مبتنی بر ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌گذاری است، یکی روش ارزش فعلی خالص که به ایروینگ فیشر نسبت داده می‌شود و دیگری روش کارایی نهایی سرمایه‌گذاری است که توسط کینز مطرح شده است.

#### ۲-۲-۴-۱- روش ارزش فعلی خالص

در این روش سود یا ارزش فعلی خالص یک پروژه محاسبه گردید و ضمن نتیجه‌گیری در مورد قابل اجرا بودن آن، امکان مقایسه با پروژه‌های دیگر را نیز فراهم می‌نماید.

#### ۲-۲-۴-۲- روش یا معیار کارایی نهایی سرمایه‌گذاری

این روش در ارزیابی سرمایه‌گذاری معیار کینز می‌باشد، در این روش از جریان درآمدها و هزینه‌های یک پروژه در طول عمر مفید آن در مورد سودآور بودن یا نبودن پروژه اظهار نظر می‌شود. کینز پیشنهاد می‌کند که به جای تبدیل کردن ارزش فعلی درآمدها و هزینه‌ها با استفاده از نرخ بهره بازار (r)، باید نرخ تنزیل را قرارداد که ارزش فعلی خالص پروژه صفر شود، یا ارزش فعلی درآمدها منهای هزینه اجرای پروژه برابر با هزینه یا سرمایه اولیه پروژه شود.

**۲-۲-۵- سرمایه گذاری خصوصی، تسهیلات و اعتبارات**

در تأثیر اعتبارات و تسهیلات در قالب سیاست های پولی بر سرمایه گذاری خصوصی، تردیدی وجود ندارد و نقش سیاست پولی در تشویق سرمایه گذاری خصوصی حایز اهمیت می باشد.

**۲-۲-۶- سیاست های اصلاحی دولت**

سیاست های دولت، متغیرهای واقعی و نرخ سرمایه گذاری در اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد، آنچه از الگوهای رشد درون زا نمایان می شود، این است که تغییر دایمی در سیاست های دولت، تغییرات دایمی در نرخ های رشد، در اقتصاد، ایجاد می کند. تغییر در سیاست های اقتصادی، نقش مهمی در سهم سرمایه فیزیکی و انسانی دارد، هر سیاستی که زمان صرف شده توسط شخص، برای کسب مهارت را افزایش دهد، منجر به افزایش دایمی در رشد محصول سرانه هر کارگر می شود و سرمایه گذاری را افزایش می دهد. اصلاحات بخش مالی، زمانی مناسب خواهد بود، که به رشد سرمایه گذاری کمک نماید، یک بخش مالی توسعه یافته، به رشد سرمایه گذاری کمک می نماید. اصلاحات بخش مالی، اصلاح پولی، ارزی، آیین نامه ای و ساختاری، اصلاح نظام نرخ بهره و عملیات پولی مثل آزادسازی نرخ بهره، افزایش استقلال بانک مرکزی و شیوه های کنترل پولی، توسعه بخش بانکی، بستر سازی مناسب برای رقابت بازارهای بین المللی، توسعه بازارهای ارزی خارجی و... را در برمی گیرد.

**۲-۲-۷- صندوق ذخیره ارزی**

این صندوق اهدافی نظیر ایجاد ثبات در میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت خام و تبدیل دارایی های حاصل از فروش نفت خام به دیگر انواع ذخایر و توسعه فعالیت های تولیدی و سرمایه گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح های تولیدی و کارآفرینی بخش غیردولتی و فراهم نمودن امکان تحقق فعالیت های پیش بینی شده در برنامه را مدنظر قرار می دهد.

## ۳- پیشینه تحقیق

باستوس<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۰۴) به وسیله داده‌های مقطعی از ۸۳ شرکت در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۵ استفاده کردند، هزینه سرمایه برای بنگاه تولیدی را محاسبه نمودند و به این نتیجه رسیدند که مالیات‌ها تأثیر کمی بر موجودی سرمایه مطلوب می‌گذارند و دلیل آن، معافیت‌های مالیاتی است که بر سود و استهلاک واقع می‌گردد.

وردواو<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، معادلات سرمایه‌گذاری شیلی را با استفاده از داده‌های سالانه برای سالهای ۲۰۰۳-۱۹۷۵ با روش OLS، تخمین زد. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت درصدی از موجودی سرمایه و یکبار دیگر نیز به عنوان درصدی از GDP متغیر وابسته و متغیرهای تأثیرگذار در الگو، سرمایه‌گذاری بخش دولتی به صورت درصدی از موجودی سرمایه، نرخ مالیات، نرخ بهره، تورم، اعتبارات بخش خصوصی و بدهی دولت بودند. نتایج حاکی از آن بود که مالیات‌ها از کانال سرمایه، سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها، یکی از عوامل رشد ناگهانی سرمایه‌گذاری خواهد بود.

والدس و مدینا<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیدند که موجود بودن دارایی‌های داخلی در تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، یک عامل کلیدی و اساسی به شمار می‌آید و مالیات بر سود تقسیم نشده، تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری خواهد داشت.

سامر<sup>۴</sup> (۱۹۸۸)، بر اساس مدارک مربوط به ۲۰۰ شرکت بزرگ در ایالات متحده، استدلال می‌کند که نرخ مالیات بر شرکت‌ها بر روی انباشت سرمایه تأثیر می‌گذارد و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

رود و دیگران<sup>۵</sup> (۲۰۰۷)، تأثیر مالیات بر شرکت‌ها را در ۲۰ کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۳ با توجه به اینکه طی دو دهه اخیر نرخ‌های مالیاتی در اروپا به طور چشمگیری کاهش داشت؛ مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتند که کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها باعث شویق سرمایه‌گذاری گردیده و با افزایش سرمایه‌گذاری و

Bustos<sup>1</sup><sup>2</sup>Rodrigo VerdavaValdes ,Medina<sup>3</sup><sup>4</sup>summer<sup>5</sup>Ruud de Mooij & Gaetan nicodeme

ترغیب افراد برای تشکیل شرکت، مبنای مالیاتی گسترش و در کل درآمد مالیاتی دولت افزایش می یابد.

برمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) با بررسی شرکت های استرالیایی به این نتیجه دست یافت که در دهه ۱۹۷۰ بسیاری از شرکتها علاقمند به سرمایه گذاری در بخش هایی بودند که درآمد و سود ناشی از آن معاف از مالیات بود. برای مثال شرکتها به دلیل معافیت مالیاتی و نبود مالیات بر عایدی سرمایه مربوط به "سود تقسیمی سهام" به نحوی سعی در اجتناب مالیاتی داشتند.

#### ۴- روند تغییرات مالیات بر شرکتها در ایران

درآمد حاصل از مالیات بر شرکتها همواره در ایران سهم مهم و قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی کشور را تشکیل می داده است. روند تغییرات مالیات بر شرکتها نشان می دهد که این نوع مالیات فراز و فرودهای مختلفی را به دلیل تحولات مختلف اقتصادی طی نموده است اما این روند به طور کلی افزایشی بوده است.

بررسی هانشان می دهد از بعد درآمدزایی مالیات بر شرکتها نقش مهمی در نظام مالیاتی ایران بازی میکند و از سوی دیگر از لحاظ ابعاد اقتصاد کلان نیز، مالیات بر شرکتها مهمترین ابزار سیاستگذاری محسوب می شود. به دلیل وابستگی سیستم اقتصادی ایران به درآمد حاصل از فروش نفت خام، بخش زیادی از پایه مالیاتی شرکتها (به عنوان ارزش افزوده بخشهای اقتصادی) و به تبع مالیات وصولی آن از نوسانات درآمدهای نفتی تأثیر می پذیرد. مالیات بر شرکتها بیش از ۳۵ درصد از کل درآمدهای مالیاتی را تشکیل می دهد که در این میان شرکتهای بخش خصوصی بیش از شرکت های بخش دولتی تأمین کننده مالیات مورد نظر بوده اند. متوسط رشد مالیات های شرکت های دولتی در طول ۲۰ سال اخیر بیش از شرکت های خصوصی بوده است که می تواند نشان دهنده حذف معافیت های گسترده در این قسمت و افزایش حمایت از شرکت های تولیدی بخش خصوصی باشد. معافیت های مالیاتی متعدد وجود مسیرهای قانونی و غیر قانونی فرار مالیاتی از یک طرف و نظام اجرایی ناکارآمد دولتی وضعف نظام حسابداری وثبت دارایی ها و هزینه ها نیز موجب شده که وصول مالیات های بالقوه شرکتها تحقق نیابد. موضوع دیگری که در مورد مالیات بر

<sup>۱</sup>Berman

شرکتها قابل بحث و بررسی است، فرار مالیاتی شرکتهای خدماتی است. از آنجا که برای شرکتهای خدماتی حضور در بازار و همچنین قیمت‌ارایه شده قابل استتار است تشخیص مالیات دشوار و فرار مالیاتی به سهولت انجام می‌پذیرد. علاوه بر عواملی که مانع از تحقق مالیات‌های بالقوه شرکتهای می‌شوند نارسایی‌های نظام حسابداری و ثبت و ضبط‌داری‌ها و هزینه‌ها نیز به مثابه عوامل خارجی تأثیرگذار در نظام مالیاتی موجب عدم تحقق مالیاتهای قابل وصول شرکتهای می‌شوند. در کشورهای توسعه‌یافته تأمین هزینه‌های کشور از محل اخذ مالیات امری معمول و راهی برای بسط عدالت‌های اجتماعی است، اخذ مالیات در نظام اقتصادی شفاف و مبتنی بر بازار آزاد نسبت به نظام‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه همچون ایران، که، عدم شفافیت وضعیت کسب و کار، اقتصاد نیمه‌دولتی، نیمه آزاد، شرایط پیچ در پیچ و... دارند؛ سهل‌تر می‌باشد. با وجود نظام اقتصادی غیرشفاف، امکان عدم اعلام درآمد، پرونده‌سازی و جابه‌جایی منابع به سوی اقتصاد زیرزمینی فراهم می‌گردد.

سالهای ۵۹ و ۵۸ به دلیل وقایع ابتدای انقلاب اسلامی نرخ رشد منفی ۲۸/۵ و ۶۷/۸ درصدی رانجربه نموده‌است. در سالهای ۷۱، ۷۵ و ۹۰ از بیشترین رشد طی دوره ۹۰-۵۷ برخوردار بوده است. مالیات‌های وصولی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ گویای این مطلب است که نرخ رشد وصولی مالیات بر شرکت‌ها از سال ۸۶ به ترتیب ۲۷، ۳۸، ۳۱، ۳۰- و ۳۶ بوده که کاهش این نرخ در سال ۸۸ به دلیل نرخ رشد منفی ۲۲ درصدی مالیات از نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی و کاهش ۴۷ درصدی مالیات شرکت‌های دولتی بوده که در همان سال مالیات بر شرکت‌های غیردولتی ۵۳ درصد رشد داشته است. در سال ۸۹ گرچه مالیات وصولی از شرکت‌های غیردولتی، ۳۹ درصد رشد داشته است؛ اما به دلیل کاهش ۵۳ درصدی مالیات وصولی از شرکت‌های دولتی کل مالیات‌های وصولی از شرکت‌ها کاهش داشته است.

#### ۵-۱- روش تحقیق و برآورد الگو

روش جمع‌آوری اطلاعات و آمار به صورت کتابخانه‌ای بوده و براساس آمارهای سری زمانی ۸۹-۱۳۵۳ که از بانک مرکزی و اداره کل امور مالیاتی، اخذ گردیده، در قالب

یک الگو سرمایه گذاری نئوکلاسیکی، تأثیر متغیرهای توضیحی سرمایه گذاری بخش دولتی، مالیات بر شرکت ها، تورم، نرخ بهره، تسهیلات و دو متغیر مجازی سیاست های اصلاحی دولت و صندوق ذخیره ارزی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM و نرم افزار Eviews، برای اقتصاد ایران، برآورد گردید.

$$\text{Log}(I_{pg}) = f(I_{gg}, TC_1, Df_i, r(-1), pc_1(-1), D_1, D_2)$$

-  $I_{pg}$  سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP

-  $I_{gg}$  سهم سرمایه گذاری دولتی از GDP

-  $TC_1$  سهم مالیات بر شرکت ها از GDP

-  $Df_i = d(\log(\frac{I_n}{I_r}))$

In: سرمایه گذاری اسمی

Ir: سرمایه گذاری واقعی

r-: نرخ سود بلندمدت بانکی

-  $pc_1$ : مانده تسهیلات و اعتبارات (این ارقام به صورت واقعی می باشد)

-  $D_1$  متغیر مجازی (Dummy) معرف سیاست های اقتصادی دولت می باشد.

-  $D_2$  متغیر مجازی (Dummy) معرف صندوق ذخیره ارزی می باشد.

روش GMM، بی نیاز از تست ریشه و احداست. فرض  $H_0$ ، معتبر بودن ابزارها در گشتاورهاست، که برای تأیید یا رد فرض  $H_0$ ، باید آزمون سارگان انجام گیرد. مطابق تست سارگان J-statistic، رقم ۷ است که  $prob = 95\%$  می دهد، یعنی ابزارهای انتخاب شده در روش GMM درست بوده اند و اتخاذ شرط گشتاورها مناسب بوده و فرض  $H_0$  رد نمی شود.

$$\text{log}(I_{pg}) = 3.306969 - 0.000115 I_{gg} - 0.002047 Tc1 - 0.012729 Df_i(-1)$$

t61.81041-4.161908-4.509918-11.08156

S.E 0.0535022.77E-050.0004540.001149

Prob0.00000.00030.00010.0000

- 0.029740 r(-1) + 2.08E-08 pc(-1) + 0.202830D1 + 0.255604D2

-5.79417114.781673.51523211.74317

0.0051331.41E-090.0577000.021766

0.0000 0.0000 0.0018 0.0000

Mean dependent var 3.057393

S.D. dependent var 0.254879

Sum squared resid 1.162567

J-statistic 7.049256

Prob(J-statistic) 0.932796

## ۵-۲- تفسیر نتایج الگو برآوردشده

ضریب Igg در الگو برآوردشده، براساس مبانی نظری دارای علامت مورد انتظار ومعنی دار بوده، بیان می‌کند هر یک واحد افزایش در سهم سرمایه‌گذاری دولتی از GDP، باعث کاهش ۰/۰۰۰۱۱۵ در سهم سرمایه‌گذاری خصوصی از GDP می‌گردد. یعنی در این الگو نشان داده شده که سرمایه‌گذاری دولتی باعث جانشینی مخارج سرمایه‌ای دولت، به جای مخارج سرمایه‌ای خصوصی می‌شود و مخارج سرمایه‌ای دولتی یک نوع برون رانی به همراه دارد. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، افزایش سهم بخش خصوصی و خصوصی سازی، باعث رقابتی شدن اقتصاد و افزایش کارایی کل اقتصاد می‌گردد. افزایش سرمایه‌گذاری بخش دولتی در ایران، باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌گردد و با برون رانی همراه می‌باشد، یعنی با حرکت به سمت خصوصی سازی، سهم بخش خصوصی از GDP افزایش و سهم بخش دولتی از GDP کاهش می‌یابد.

اثر مخارج سرمایه‌گذاری دولتی، روی تقاضای سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه نیافته، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و دلیل این امر نقش بسیار اساسی تر دولت در امر سرمایه‌گذاری است، به طور کلی سرمایه‌گذاری دولتی در پروژه‌هایی که به تولید کالا و خدمات رقیب برای بخش خصوصی، می‌پردازند، دارای اثر منفی روی سرمایه‌گذاری خصوصی می‌باشد. کمبود منابع و امکانات، عدم توانایی در به کارگیری امکانات، عدم دسترسی به تکنولوژی روز و عدم تخصیص بهینه منابع، در کشورهای در حال توسعه می‌تواند برون رانی، بین سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی را توضیح دهد.

ضریب  $TC_1$  در الگو معنی دار و براساس مبانی نظری دارای علامت انتظاری می‌باشد، این ضریب بیان می‌کند که هر یک واحد افزایش در سهم مالیات بر شرکت‌ها از GDP، ۰/۰۰۲۰۴۷ واحد سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از GDP را کاهش می‌دهد و تأیید می‌نماید که مالیات بر شرکت‌ها بر جریان حقیقی شرکت، یعنی بر سرمایه‌گذاری، تأثیر منفی می‌گذارد که در نتیجه بر تخصیص منابع و رفاه جامعه می‌تواند مؤثر باشد. یعنی افزایش درآمد مالیاتی به قیمت کاهش کارایی و افزایش اضافه بار مالیاتی، تمام می‌شود. مالیات با افزایش هزینه استفاده از سرمایه، موجودی سرمایه مطلوب را کاهش داده و تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری خواهد داشت.

محسین و خان در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که مالیات بر انواع وسایل سرمایه گذاری به طور مؤثر نرخ بازگشت خالص آنها را کاهش می دهد، که این امر سبب کاهش سرمایه گذاری خواهد گردید.

با توجه به تأثیر مستقیم مالیات بر شرکت ها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی، می بایست نرخ نزولی مالیات تجربه شود، که سبب تشویق سرمایه گذاری و گسترش ظرفیت تولید تا حد مقیاس اقتصادی تولید گردد. در سیستم مالیاتی ایالات متحده، در دهه ۸۰ میلادی، نرخ های مالیات بر سود شرکت ها، پس از چند نرخ تصاعدی، شامل نرخ نزولی برای آخرین طبقه بود، با توجه به نتایج الگو، این تجربه در اقتصاد ایران نیز می تواند، سرمایه گذاری را تشویق نماید. نحوه برخورد مالیات با سرمایه گذاری و درآمد سرانه، اثرات قابل ملاحظه ای برای هزینه استفاده از سرمایه دارد، یک معافیت مالیاتی برای سرمایه گذاری، هزینه سرمایه گذاری را کاهش می دهد و باعث افزایش موجودی سرمایه مطلوب می گردد. اثر معافیت استهلاك نیز، هزینه سرمایه را کاهش می دهد، بنابراین هرچه قدر استهلاك بیشتر باشد، نرخ مؤثر مالیاتی کمتر خواهد بود و صرفه جویی مالیاتی برای سرمایه گذاری بیشتر می شود. چنانچه سرمایه گذاری ها نسبت به هم متفاوت و طول عمر مختلفی داشته باشند، ترکیبات مختلف مالیات و نرخ استهلاك، بر تخصیص منابع و سرمایه گذاری مؤثر خواهد بود. اگر استهلاك سریع باشد، هرچه سرمایه گذاری بلندمدت تر، سود بیشتر است و نرخ مؤثر مالیاتی کمتر خواهد بود، در نتیجه روند سرمایه گذاری تغییر کرده و جریان سرمایه گذاری به سمت سرمایه گذاری های بلندمدت حرکت خواهد نمود. بنابراین دولت با اعمال معافیت های مختلف مالیاتی، تعیین نرخ استهلاك بیش از استهلاك واقعی اقتصادی، یا با سرعت بخشیدن به استهلاك قابل قبول، باعث تشویق سرمایه گذاری می گردد، که این مسئله ممکن است درآمد مالیاتی را در دوره مورد نظر کاهش دهد، اما با تشویق و افزایش در سرمایه گذاری، درآمدهای مالیاتی آینده افزایش خواهد یافت.

ضریب DFI، در الگو اقتصادسنجی برآورد شده، معنی دار بوده و با توجه به میزان نرخ تورم در ایران که بالاتر از نرخ معتدل آن می باشد، براساس مبنای نظری دارای علامت مورد



انتظار می‌باشد، و گویای این مطلب است که هر یک واحد افزایش در این شاخص، سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از GDP را ۰/۰۱۲۷۲۹ واحد کاهش می‌دهد.

تورم تأثیر یگانه در تمام سطوح ندارد، یعنی انتظار بر این است که تورم سرمایه‌گذاری را تشویق کند، که برای تورم معتدل و اندک این امر صادق است، اما اینکه ضریب این متغیر در این الگو منفی شده یعنی از حد آستانه قابل قبول تورم گذشته و در دامنه اثر منفی تورم بر سرمایه‌گذاری هستیم، که مطابق نظر خان، الکساندر، اسمیت، گرایمز و فلدشتاین می‌باشد، که در مطالعات خود تأثیر منفی تورم بر سرمایه‌گذاری را تأیید و بیان می‌نماید که برون رانی میان تورم و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران وجود دارد. تورم در سطح بالا، دامنه و مقیاس فعالیت‌هایی که رشد، سرمایه‌گذاری و روند تولید را هموار می‌سازد، کاهش می‌دهد، هزینه سرمایه را افزایش و سوددهی سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. همچنین با تهدید ثبات اقتصادی و تعادل، میل متوسط به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. در محیط تورمی، افراد حاضر به سرمایه‌گذاری در طرح‌های دیر بازده نمی‌باشند و به دلیل سوددهی فعالیت‌های غیر مولد و دلالتی که نیازمند سرمایه در گردش می‌باشند، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

(۱-۲) نرخ بهره دوره قبل) ضریب این متغیر در الگو برآورد شده معنی‌دار و بر اساس مبانی نظری دارای علامت مورد انتظار می‌باشد. بر اساس تحقیقات مختلف مربوط به اقتصاد، تغییرات نرخ بهره، روی مخارج و هزینه‌های جمعی تأثیر تأخیری دارد.

نتایج الگو برآورد شده، گویای این مطلب است که بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری برون رانی وجود دارد، به طوری که یک واحد افزایش در نرخ بهره، ۰/۰۲۹۷۴ واحد سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از GDP را کاهش خواهد داد. بنابراین سیاست‌هایی که بر روی نرخ بهره اثرگذار باشند، می‌توانند میل به پس انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهند. البته کاهش نرخ بهره یا هر سیاست اقتصادی به صورت دستوری، نمی‌تواند اثرات قابل قبول بر متغیرهای واقعی اقتصادی را به دنبال داشته باشد، دلیل آن این است که، سیاست‌های دستوری در کوتاه مدت و موقتاً ممکن است، وقوع پذیرد اما انتظار می‌رود در بلندمدت اقتصاد تحمل پذیرش آن را نداشته باشد، از آنجا که نرخ‌های بهره بلند مدت،

انتظارات در مورد نرخ های بهره آتی کوتاه مدت را منعکس می کنند، پس سیاستی که در بلندمدت بتواند نرخ بهره را تحت تأثیر قرار دهد، بر سرمایه گذاری مؤثر خواهد بود. اقتصاد علمی است که براساس قوانین اثبات شده می توان بر متغیرهای واقعی تأثیر گذاشت و با توسل به اصول علمی و اتخاذ راه کارهای قابل قبول، می توان سیاست هایی را در پیش گرفت که منجر به کاهش نرخ بهره بلندمدت گردد که باعث بهبود در بهره وری سرمایه، افزایش موجودی سرمایه و رونق در سرمایه گذاری خصوصی گردد.

(۱-PC<sub>1</sub>) مانده تسهیلات واقعی بانک ها) ضریب این متغیر در الگو برآورد شده معنی دار و دارای علامت مورد انتظار می باشد.

هر واحد افزایش در تسهیلات جهت حمایت از سرمایه گذاری  $10 \times 0.8 \times 10^{-8}$  واحد سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی از GDP را افزایش می دهد. میان سرمایه گذاری بخش خصوصی و تسهیلات درون رانی وجود دارد، یعنی با حمایت و تشویق سرمایه گذاری به شکل تسهیلات و تأمین اعتبار، سهم سرمایه گذاری خصوصی افزایش یافته و با توجه به کارایی بیشتر بخش خصوصی، کارایی کل اقتصاد افزایش می یابد. از آنجا که تسهیلات با توجه به ظرفیت ها، امکانات و توانایی های داخلی به منظور تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح های تولیدی، کارآفرینی و... که توجیه فنی اقتصادی دارند و در جهت تشویق سرمایه گذاری به بخش های مختلف اقتصادی، پرداخت می شود. از به هدر رفتن منابع و جریان پولی به سمت فعالیت های کم بازده که توجیه اقتصادی ندارند، جلوگیری می شود. علاوه بر آن اجرای بسیاری از طرح ها که توجیه اقتصادی دارند، توسط بخش خصوصی نیازمند منابع می باشد و تأمین منابع مورد نیاز طرح ها، سرمایه گذاری بخش خصوصی را افزایش خواهد داد.

**متغیر مجازی D<sub>1</sub>** اصلاحات صورت گرفته در اقتصاد، تغییر سیاست های دولت، گسترش و ترویج رقابت خارجی، ایجاد فضای اطمینانی و امنیت و... می باشد. که مجموعه این عوامل در جهت افزایش بهره وری کلیه عوامل، توسعه سرمایه انسانی، ایجاد فضای رقابتی و... بوده که انتظار می رود بر روی سرمایه گذاری بخش خصوصی تأثیر مثبت داشته باشد. در الگو برآورد شده مشاهده می گردد که ضریب این متغیر معنی دار بوده و اثر مثبت این سیاست ها را روی سرمایه گذاری نمایان می سازد.

هر واحد تغییر در این سیاست‌ها ۰/۲۰۲۸۳۰ واحد سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از GDP را افزایش می‌دهد، که بیان‌گر این است که ایجاد فضای اطمینان، ثبات، فضای رقابتی و... تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری دارد.

با توجه به اینکه حرکت به سمت اصلاحات در ایران از سال‌های بعد از جنگ صورت گرفت، اما در آن دوران منابع صرف بازسازی خرابی‌های دوران جنگ گردید و پس از آن به زیرساخت‌ها و زیربنای پرداخته شد. حدوداً از سال ۷۶ به بعد، برنامه اصلاحات شکل منسجم‌تری گرفت و با پذیرفتن سیاست‌های تعدیل بانک جهانی برای اصلاح اقتصادی کشور، توسعه مشارکت عمومی و فراهم نمودن زمینه مشارکت، ایجاد فضای امنیت و ثبات، رقابتی شدن عوامل و افزایش بهره‌وری و کارآیی، زمینه رشد و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم گردید که این روند تاکنون ادامه دارد که در ادامه این شرایط و در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی، مرکز شورای رقابت نیز در سال ۸۹ تاسیس گردید که بر رقابتی شدن اقتصاد و عوامل نظارت داشته و واگذاری‌ها زیر نظر این مرکز صورت می‌پذیرد.

- متغیر مجازی  $D_2$ ، صندوق ذخیره ارزی می‌باشد، این صندوق در سال ۷۹ به منظور ایجاد ثبات در میزان استفاده از عواید ارزی حاصل از نفت و تبدیل‌داری‌های حاصل از فروش نفت به انواع دیگر ذخایر، سرمایه‌گذاری و فراهم نمودن زمینه مناسب جهت افزایش سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی و... تشکیل گردید. همانگونه که انتظار می‌رفت نتایج حاصل از الگو، تأثیر مثبت این صندوق را بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که یکی از اهداف تشکیل این صندوق همین بوده، را نشان می‌دهد. ضریب این متغیر در الگو معنی‌دار بوده و بیان‌گر این است که هر واحد افزایش در این متغیر، سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از GDP را به میزان ۰/۲۵۵۶۰۴ افزایش می‌دهد. بنابراین هر افزایش در قیمت نفت نسبت به ارقام پیش‌بینی شده که به صورت ارز در صندوق ذخیره ارزی واریز می‌گردد، زمانی که به صورت تسهیلات و تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی که توجیه اقتصادی دارند؛ به بخش خصوصی پرداخت گردد، سبب افزایش سرمایه‌گذاری می‌گردد و با هدف تشکیل این صندوق سازگاری دارد.

## ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

تخمین و برآورد الگو اقتصاد سنجی به روش GMM، فرضیه تحقیق را که « تأثیر منفی مالیات بر شرکت ها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی» می باشد، را تأیید نمود. در این مطالعه تمام متغیرها، دارای علامت موردانتظار و معنی دار بودند و نتایج زیر به دست آمد.

(۱) افزایش سرمایه گذاری دولتی در ایران، باعث کاهش سرمایه گذاری خصوصی می گردد و با برون رانی همراه می باشد. در کشورهای در حال توسعه، سرمایه گذاری دولت در امور زیربنایی دارای رابطه مکمل با سرمایه گذاری بخش خصوصی می باشد، بازدهی و بهره وری سرمایه گذاری خصوصی را افزایش، زمینه را برای سرمایه گذاری خصوصی مهیا و سرمایه گذاری خصوصی را تشویق می کند. اما سرمایه گذاری دولتی در پروژه هایی که به تولید کالا و خدمات رقیب برای بخش خصوصی، می پردازند؛ دارای اثر منفی روی سرمایه گذاری خصوصی می باشند. یعنی در مسیر حرکت به سمت خصوصی سازی، برون رانی میان سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی وجود دارد که در اقتصاد ایران بدین گونه می باشد.

(۲) مالیات بر شرکت ها در اقتصاد ایران، نرخ بازگشت خالص سرمایه را کاهش، هزینه استفاده از سرمایه را افزایش و موجودی سرمایه مطلوب را کاهش داده و به طور کلی تأثیر منفی بر تخصیص منابع، کارایی اقتصادی و رفاه داشته، سرمایه گذاری بخش خصوصی را کاهش می دهد. با توجه به برون رانی، میان مالیات بر شرکت ها و سرمایه گذاری بخش خصوصی، معافیت های مالیاتی و نرخ نزولی مالیات، می تواند سرمایه گذاری بخش خصوصی را تشویق نماید. با توجه به اینکه، هدف دولت از اعمال مالیاتها فقط کسب درآمد نیست و مالیاتها، مؤثرترین ابزار سیاست های مالی دولت هستند، و با در نظر گرفتن این نکته که مالیاتها بر متغیرهای واقعی اقتصاد و جریان تولید، تأثیر می گذارند، دولت با استفاده از نرخ های نزولی مالیات یا معافیت های مختلف مالیاتی، می تواند نرخ مؤثر مالیاتی را کاهش داده تا صرفه جویی مالیاتی برای سرمایه گذاری بیشتر گردد، لذا سرمایه گذاری تشویق و تولید افزایش می یابد و نهایتاً درآمد مالیاتی دولت نیز افزایش خواهد یافت.

۳) تورم، تأثیر یگانه در تمام سطوح ندارد، انتظار براین است که برای تورم معتدل و اندک، سرمایه‌گذاری راتشویق نماید و به دلیل اینکه تورم، ترازهای واقعی پول را کاهش می‌دهد، افراد به جای نگه داشتن پول آن را سرمایه‌گذاری نمایند، اما زمانی که تورم از حد آستانه آن، بالاتر می‌رود، هزینه سرمایه را افزایش و بر سوددهی سرمایه‌گذاری تأثیر منفی به جای می‌گذارد، همچنین ثبات اقتصادی و تعادل را تهدید و میل متوسط به سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، افراد حاضر به سرمایه‌گذاری در طرح‌های دیر بازده نمی‌شوند و به سمت فعالیت‌های غیرمولد و دلالی که نیازمند سرمایه در گردش می‌باشد و تأثیر منفی بر روی رشد و توسعه دارد، روی می‌آورند.

۴) بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برون رانی وجود دارد، بنابراین کاهش نرخ بهره سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، لذا سیاست‌های بخش مالی که نرخ بهره بلند مدت را متأثر می‌کنند، همچنین رشد و توسعه بازارهای پولی باعث بهبود در بهره‌وری سرمایه‌شده، میل متوسط به پس انداز را افزایش و ارزش فعلی و سوددهی پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش خواهد داد.

۵) پرداخت تسهیلات به بخش خصوصی، سبب تشویق سرمایه‌گذاری شده و با تأمین بخشی از منابع مورد نیاز طرح‌ها باعث اجرای آنها شده و در رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارایی اقتصاد تأثیر مثبت دارد.

۶) سیاست‌های تعدیل، توسعه مشارکت عمومی و فراهم شدن زمینه آن، ایجاد فضای اطمینان، امنیت وثبات و فضای رقابتی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش خواهد داد.

۷) صندوق ذخیره ارزی، با تأمین بخشی از اعتبار مورد نیاز طرح‌های تولیدی بخش غیردولتی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش می‌دهد.

### فهرست منابع

- ۱) برانسون، ویلیام. اچ. ترجمه عباس شاکری (۱۳۷۸). نظریه و سیاست‌های اقتصاد کلان. نشر نی
- ۲) تقوی، مهدی (۱۳۸۸). مالیات بر عایدی سرمایه، سازمان امور مالیاتی کشور.

- ۳) پژوهان، جمشید (۱۳۷۳) "بررسی اقتصادی مالیات بر شرکتها، معاونت امور اقتصادی
- ۴) پژوهان، جمشید (۱۳۸۷). اقتصاد بخش عمومی (مالیاتها). انتشارات جنگل.
- ۵) سازمان مدیریت و برنامه ریزی. قانون برنامه چهارم توسعه. ۱۳۸۴.
- ۶) سازمان امور مالیاتی. دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی.
- ۷) دورنیوش، فیشر (۱۳۷۸). "اقتصاد کلان". ترجمه تیزهوش تابان. انتشارات سروش.
- ۸) رحمانی، تیمور. (۱۳۷۱) "تشکیل سرمایه در ایران" پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۹) رحمانی، تیمور (۱۳۷۹). اقتصاد کلان. انتشارات برادران.
- ۱۰) رومر، دیوید. ترجمه تقوی مهدی. (۱۳۸۵) اقتصاد کلان پیشرفته. انتشارات دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۱۱) هژیر کیانی، کامبیز (۱۳۸۷) تعیین نرخ بهینه پایه های مالیاتی و بررسی آثار اقتصادی آن، سازمان امور مالیاتی کشور.
- 12) A.D.Knox. the Acceleration and principle and the theory of investment (1995) :A survy, *Economica*. New series., vol. 19. August.
- 13) Bange, Benhard, Granato, Lauren (1997) "The effect of inflation on the natural rate of out put" *Applied Economics*.
- 14) Bustos, Alvaro (2004), Engel, Eduardo, Galetovic, Alexander " Could higher taxes increase the long-run demand for Capital? " *Journal of Development Economics* 73 (2004) 675– 697 .
- 15) Dale W. Jorgenson & Calvin D. Siebret (1986): "A Comparison of Alternative Theories of Corpoate Investment Behavior". *A.E.R.* Vol. Lv III. No 4. 681-683
- 16) Djankov, Simeon, Ganser, Tim, McLiesh, Caralee, Ramalho, Rita, Shleifer, Andrei (2009) "The effect of corporate taxes on investment and entrepreneurship" working papear.
- 17) Ghura Dhaneshwar (1997), "Private Investment and Endogenous Growth: Evidence from Cameroon". IMF working papear.
- 18) Gupta. Sanjeev, Clements. Benedict, Gillingham. Robert, Schiller. Christain, Ver hoeven. Marijn, Alenso- Terme. Rosa, Mourmouras. Alexandros (1999) "Should Equity Be a Goal of Economic Policy?" IMF. *Economic Issues*. No 16.
- 19) J.C. Poindexter. *Macroeconomics*. 2nd Edition. 1981.
- 20) Jones. I. Charles (2001), " Alternative theories of endogenous growth".
- 21) Khan, Mohsin & Villanueva, Delano (1997) "Macroeconomic Policies and Long-Term Growth".
- 22) Lesli (1993), "seignorage and inflation taxes" chapter 1, section 1-5.
- 23) Nsouli, Rached & Funke (2002), "The Speed of Adjustment and Sequencing of Economic Reforms". *Issues and Guidelines for Policimakers*.

- 24) Schneider.Friedrich,Enste.Dominik(2002)"The Growth of the Underground Economy".IMF.  
 25) Sill Keith(2005)"Do budget defecit cause inflation?"buisenss Review.26-33  
 26) Public Finance in Theory and Practice,fifth Edition,R.A.P.B.Musgrave,  
 27) Rodrigo,Vergara(2004),"Taxation and private investment : evidence for Chile".  
 28) Wesky,Addison ,R.Berndt Ernest(1991),,"the Practice of Econometrics".  
 29) W.Rabert J.Alexander (1997)"Inflation and economic growth".Applied Economics.,,"Inflation and economic growth".Applied Economics.

جداول

جدول-۱- مالیاتهای مستقیم به تفکیک منابع (میلیاردریال)

سال	(۱)		(۲)		(۳)		(۴)		(۵)		نسبت ۳ به ۵ (درصد)	نسبت ۲ به ۵ (درصد)	نسبت ۱ به ۵ (درصد)
	مالیات بر شرکتهای	رشد	مالیات بر درآمد	رشد	مالیات بر ثروت	رشد	مجموع مالیاتهای مستقیم	رشد	کل مالیاتها	رشد			
۱۳۵۷	۲۰۰.۱۰	-	۵۸.۴۰	-	۱۱.۰۰	-	۲۶۹.۵۰	-	۴۶۶.۰	۷۴.۲۵	۲۱.۶۷	۴.۰۸	
۱۳۵۸	۱۴۳.۰۰	-۲۸.۵۴	۷۲.۳۰	۲۳.۸۰	۱۲.۸۰	۱۶.۳۶	۲۲۳.۲۷	-۱۷.۱۲	۴۰۸.۳	۶۴.۰۲	۳۲.۲۷	۵.۷۳	
۱۳۵۹	۴۶.۰۰	-۶۷.۸۳	۶۵.۹۰	-۸.۸۵	۱۷.۳۰	۳۵.۱۶	۵۲.۵۲	-۷۶.۴۹	۳۴۰.۵	۸۷.۵۹	۱۲۵.۴۹	۳۲.۹۴	
۱۳۶۰	۲۲۷.۶۰	۳۹۴.۷۸	۷۸.۳۰	۱۸.۸۲	۱۶.۰۰	-۷.۵۱	۷۳۵.۵۰	۱۳۰۰.۵۳	۵۵۴.۰	۳۰.۹۴	۱۰.۶۵	۲.۱۸	
۱۳۶۱	۱۷۳.۹۰	-۲۳.۵۹	۹۶.۸۰	۲۳.۶۳	۲۴.۷۰	۵۴.۳۸	۲۹۵.۴۳	-۵۹.۸۳	۶۱۳.۸	۵۸.۸۶	۳۲.۷۷	۸.۳۶	
۱۳۶۲	۲۰۸.۳۰	۱۹.۷۸	۹۰.۳۰	-۶.۷۱	۳۳.۳۰	۳۴.۸۲	۳۴۴.۹۷	۱۶.۷۷	۸۱۴.۵	۶۰.۳۸	۲۶.۱۸	۹.۶۵	
۱۳۶۳	۲۵۷.۷۰	۲۳.۷۲	۱۰۵.۹۰	۱۷.۲۸	۴۱.۱۰	۲۳.۴۲	۴۴۵.۶۹	۲۹.۲۰	۸۹۸.۷	۵۷.۸۲	۲۳.۷۶	۹.۲۲	
۱۳۶۴	۳۵۷.۷۰	۳۸.۸۰	۱۳۶.۲۰	۲۸.۶۱	۳۵.۷۰	-۱۳.۱۴	۵۹۷.۰۲	۳۳.۹۵	۱۰۳۳.۷	۵۹.۹۱	۲۲.۸۱	۵.۹۸	
۱۳۶۵	۳۷۳.۵۰	۴.۴۲	۱۶۳.۵۰	۲۰.۰۴	۴۲.۸۰	۱۹.۸۹	۶۰۴.۲۶	۱.۲۱	۱۰۲۴.۶	۶۱.۸۱	۲۷.۰۶	۷.۰۸	
۱۳۶۶	۳۷۴.۴۰	۰.۲۴	۱۶۶.۴۰	۱.۷۷	۷۱.۵۰	۶۷.۰۶	۶۱۴.۳۱	۱.۶۶	۱۰۲۹.۷	۶۰.۹۵	۲۷.۰۹	۱۱.۶۴	
۱۳۶۷	۳۹۲.۵۰	۴.۸۳	۱۷۱.۷۰	۳.۱۹	۸۱.۷۰	۱۴.۲۷	۶۵۳.۹۲	۶.۴۵	۹۸۶.۴	۶۰.۰۲	۲۶.۲۶	۱۲.۴۹	
۱۳۶۸	۳۴۰.۱۰	-۱۳.۳۵	۲۲۳.۳۰	۳۰.۰۵	۹۶.۳۰	۱۷.۸۷	۶۷۶.۴۰	۳.۴۴	۱۱۸۷.۸	۵۰.۲۸	۳۳.۰۱	۱۴.۲۴	
۱۳۶۹	۴۹۵.۶۰	۴۵.۷۲	۳۰۹.۲۰	۳۸.۴۷	۱۱۸.۸۰	۲۳.۳۶	۱۰۰۷.۷۹	۴۸.۹۹	۱۶۹۵.۰۰	۴۹.۱۸	۳۰.۶۸	۱۱.۷۹	
۱۳۷۰	۷۷۴.۶۰	۵۶.۳۰	۴۸۳.۸۰	۵۶.۱۴	۱۳۸.۶۰	۱۶.۶۷	۱۵۰۸.۴۴	۴۹.۶۸	۲۷۶۵.۲	۵۱.۳۵	۳۲.۰۱	۹.۱۹	
۱۳۷۱	۱۲۹۷.۳۰	۶۷.۴۸	۵۴۶.۷۰	۱۳.۲۴	۱۴۷.۳۰	۶.۲۸	۲۰۷۲.۰۲	۳۷.۳۶	۳۷۷۵.۵	۶۲.۶۱	۲۶.۳۸	۷.۱۱	
۱۳۷۲	۱۶۰۱.۰۰	۲۳.۴۱	۷۶۶.۰۰	۴۰.۱۱	۲۴۸.۷۰	۶۸.۸۴	۲۶۷۹.۲۲	۲۹.۳۱	۴۰۶۱.۳	۵۹.۷۶	۲۸.۵۹	۹.۲۸	
۱۳۷۳	۲۳۹۸.۳۰	۴۹.۸۰	۱۱۲۴.۹۰	۴۶.۸۵	۳۳۱.۰۰	۳۳.۰۹	۳۹۵۰.۸۵	۴۷.۴۶	۵۴۹۰.۸	۶۰.۷۰	۲۸.۴۷	۸.۳۸	
۱۳۷۴	۳۲۹۶.۲۰	۳۷.۴۴	۱۸۹۳.۲۰	۶۶.۱۷	۴۸۳.۴۰	۴۶.۰۴	۵۷۵۲.۴۰	۴۵.۶۰	۷۳۱۳.۰	۵۷.۳۰	۳۲.۴۹	۸.۴۰	
۱۳۷۵	۵۳۷۸.۳۰	۶۳.۱۷	۲۹۹۳.۷۰	۶۰.۱۶	۵۹۸.۶۰	۲۳.۸۳	۹۰۹۳.۹۳	۵۸.۰۹	۱۲۵۶۰.۲	۵۹.۱۴	۳۲.۹۲	۶.۵۸	

۱۳۸۰

سال	(۱)		(۲)		(۳)		(۴)		(۵)	
	مالیات بر شرکتها	رشد	مالیات بر درآمد	رشد	مالیات بر ثروت	رشد	مجموع مالیاتهای مستقیم	رشد	مالیاتهای کل	رشد
۱۳۷۶	۶۸۵۷,۸۰	۲۷,۵۱	۳۴۸۴,۶۰	۱۶,۴۰	۷۱۰,۶۰	۱۸,۷۱	۱۱۰۹۶,۹۱	۲۲,۰۳	۱۷۳۴۴,۶	۶۱,۸۰
۱۳۷۷	۷۹۲۳,۶۰	۱۵,۵۴	۳۸۹۷,۱۰	۱۱,۸۴	۸۵۵,۶۰	۲۰,۴۱	۱۲۷۰۳,۶۸	۱۴,۴۸	۱۸۶۸۶,۶	۶۲,۳۷
۱۳۷۸	۱۰۰۴۸,۴۰	۲۶,۸۲	۵۳۸۳,۱۰	۳۸,۱۳	۱۱۵۲,۵۰	۳۴,۷۰	۱۶۶۴۸,۹۵	۳۱,۰۶	۴۰۲۶۵,۷	۶۰,۳۵
۱۳۷۹	۱۱۲۹۵,۵۰	۱۲,۴۱	۶۸۳۴,۰۰	۲۶,۹۵	۱۴۵۵,۱۰	۲۶,۲۶	۱۹۶۲۳,۹۶	۱۷,۸۷	۳۶۵۸۵,۲	۵۷,۵۶
۱۳۸۰	۱۲۳۷۱,۹۰	۹,۵۳	۸۷۰۳,۷۰	۲۷,۳۶	۱۹۱۰,۷۰	۳۱,۳۱	۲۳۰۲۳,۱۹	۱۷,۳۲	۴۱۷۸۴,۵	۵۳,۷۴
۱۳۸۱	۱۴۷۵۸,۴۰	۱۹,۲۹	۸۲۴۷,۶۰	-۵,۲۴	۲۶۴۶,۶۰	۳۸,۵۱	۲۵۶۶۶,۶۵	۱۱,۴۸	۵۰۱۴۱,۱	۵۷,۵۰
۱۳۸۲	۲۰۳۷۵,۸۰	۳۸,۰۶	۹۰۰۸,۲۰	۹,۲۲	۲۶۴۹,۷۰	-۰,۱۲	۳۲۰۸۰,۹۸	۲۴,۹۹	۶۵۰۹۹,۰	۶۳,۵۱
۱۳۸۳	۲۶۰۲۷,۵۰	۲۷,۷۴	۱۱۷۷۳,۳۰	۳۰,۷۰	۴۰۹۶,۱۰	۵۴,۵۹	۴۱۹۵۵,۳۳	۳۰,۷۸	۸۴۴۲۱,۲	۶۲,۰۴
۱۳۸۴	۶۴۴۵۹,۹۰	۱۴۷,۶۶	۱۵۲۵۳,۱۰	۲۹,۵۶	۴۳۱۶,۶۰	۵,۳۸	۸۴۲۰۶,۸۲	۱۰۰,۷۱	۱۳۴۵۷۴,۴	۷۶,۵۵
۱۳۸۵	۷۲۸۶۲,۰۰	۱۳,۰۳	۱۹۴۵۱,۰۰	۲۷,۵۲	۵۳۷۸,۰۰	۲۴,۵۹	۹۷۶۹۱,۳	۱۶	۱۵۱۶۲,۰۰	۷۴,۵۵
۱۳۸۶	۷۷,۹۲۶,۰	۲۷,۱	۲۵۹۶۰,۵۶	۳۳,۵	۱۷۶۲,۳۰	۴۴,۳	۱۲۶۳۳۳,۶۳	۲۹,۳	-	۷۳,۳
۱۳۸۷	۲۲,۱۲۷,۹۴	۳۸	۳۱۵۸۷,۷۳	۲۱,۷	۷۷۷,۵۵	۰,۱	۱۶۷۱۵۲,۵۰	۳۲,۳	-	۷۶,۵
۱۳۸۸	۹,۱۶۷,۲۹۹	۳۰,۹	۳۳۹۲۷,۹۷	۷,۴	۷۸۰,۱۸۹	۰,۴	۲۰۹۰۲۹,۷۳	۲۵,۱	-	۸۰
۱۳۸۹	۱۷,۱۱۶,۵۰۰	۳۰,۴	۴۱۱۱۵,۶۶	۲۱,۲	۱۱۱۳۲,۶۰	۲۴,۷	۱۶۸۷۸۸,۴	-۱۹,۳	-	۶۹
۱۳۹۰	۶,۱۵۷,۸۹۲	۳۵,۵	۴۹۶۱۲,۳۱	۲۰,۷	۱۲۹۱۲,۷۲	۱۶	۲۲۰۴۱۷,۶	۳۰,۶	-	۷۱,۶

ماخذ: سازمان امور مالیاتی کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی

جدول ۲- مالیات بر شرکت ها به تفکیک منابع (میلیارد ریال)

سال	(۱)		(۲)		(۳)		(۴)	
	مالیات بر شرکت های دولتی	رشد	مالیات بر شرکت های غیردولتی	رشد	مالیات بر شرکت ها	رشد	مالیاتهای مستقیم	رشد
۱۳۷۰	۲۲۲,۳۴	-	۵۳۰,۰۲	-	۷۷۴,۶۰	-	۱۵۰۸,۴۴	۱۴,۷۴
۱۳۷۱	۴۴۱,۴۵	۹۸,۵۵	۸۳۳,۱۰	۵۷,۱۸	۱۲۹۷,۳۰	۵۷,۱۸	۲۰۷۲,۰۲	۲۱,۳۱
۱۳۷۲	۴۵۰,۹۰	۲,۱۴	۱۱۳۰,۶۹	۳۵,۷۲	۱۶۰۱,۰۰	۳۵,۷۲	۲۶۷۹,۲۲	۱۶,۸۳
۱۳۷۳	۸۰۱,۱۷	۷۷,۶۸	۱۵۶۹,۸۰	۳۸,۸۴	۲۳۹۸,۳۰	۳۸,۸۴	۳۹۵۰,۸۵	۲۰,۲۸
۱۳۷۴	۱۰۴۵,۳۷	۳۰,۴۸	۲۲۳۰,۵۵	۴۲,۰۹	۳۲۹۶,۲۰	۴۲,۰۹	۵۷۵۲,۴۰	۱۸,۱۷
۱۳۷۵	۲۳۰۴,۸۴	۱۲۰,۴۸	۳۰۵۰,۰۰	۳۶,۷۴	۵۳۷۸,۳۰	۳۶,۷۴	۹۰۹۳,۹۳	۲۵,۳۴
۱۳۷۶	۳۱۶۷,۲۲	۳۷,۴۲	۳۶۶۱,۱۱	۲۰,۰۴	۶۸۵۷,۸۰	۲۰,۰۴	۱۱۰۹۶,۹۱	۲۸,۵۴
۱۳۷۷	۳۸۲۹,۴۸	۲۰,۹۱	۴۰۹۴,۱۶	۱۱,۸۳	۷۹۲۳,۶۰	۱۱,۸۳	۱۲۷۰۳,۶۸	۳۰,۱۴

فصلنامه اقتصاد کاربردی / سال سوم / شماره یازدهم / زمستان ۱۳۹۱



تأثیر مالیات بر شرکت ها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی / ۲۵

سال	(۱)		(۲)		(۳)	(۴)	نسبت ۱ به ۳	نسبت ۲ به ۳	نسبت ۱ به ۴	نسبت ۲ به ۴
	مالیات شرکت های دولتی	رشد	مالیات بر شرکت های غیردولتی	رشد	مالیات بر شرکت ها	مالیاتهای مستقیم				
۱۳۷۸	۴۹۲۹.۳۴	۲۸.۷۲	۵۱۰۴.۵۴	۲۴.۶۸	۱۰۰۴۸.۴۰	۱۶۶۴۸.۹۵	۴۹.۰۶	۵۰.۸۰	۲۹.۶۱	۳۰.۶۶
۱۳۷۹	۴۸۹۹.۱۶	-۰.۶۱	۶۳۹۶.۳۲	۲۵.۳۱	۱۱۲۹۵.۵۰	۱۹۶۲۳.۹۶	۴۳.۳۷	۵۶.۶۳	۲۴.۹۷	۳۲.۵۹
۱۳۸۰	۴۴۶۷.۹۰	-۸.۸۰	۷۹۰۳.۹۸	۲۳.۵۷	۱۲۳۷۱.۹۰	۲۳۰۲۳.۱۹	۳۶.۱۱	۶۳.۸۹	۱۹.۴۱	۳۴.۳۳
۱۳۸۱	۷۴۶۷.۰۳	۶۷.۱۳	۹۶۸۵.۲۵	۲۲.۵۴	۱۴۷۵۸.۴۰	۲۵۶۶۶.۶۵	۵۰.۶۰	۶۵.۶۳	۲۹.۰۹	۳۷.۷۳
۱۳۸۲	۵۲۰۰.۰۰	-۳۰.۳۶	۱۱۱۲۳.۹۹	۱۴.۸۵	۲۰۳۷۵.۸۰	۳۲۰۸۰.۹۸	۲۵.۵۲	۵۴.۵۹	۱۶.۲۱	۳۴.۶۷
۱۳۸۳	۵۴۰۵.۵۱	۳.۹۵	۱۴۷۰۵.۷۷	۳۲.۲۰	۲۶۰۲۷.۵۰	۴۱۹۵۵.۳۳	۲۰.۷۷	۵۶.۵۰	۱۲.۸۸	۳۵.۰۵
۱۳۸۴	۶۰۴۷.۴۵	۱۱.۸۸	۱۷۵۰۶.۹۲	۱۹.۰۵	۶۴۴۵۹.۹۰	۸۴۲۰۶.۸۲	۹.۳۸	۲۷.۱۶	۷.۱۸	۲۰.۷۹
۱۳۸۵	۹۷۸۶.۹۷	۶۱.۸۴	۲۲۴۴۹.۱۸	۲۸.۲۳	۷۲۸۶۲.۰۰	۹۷۷۳۱.۵۶	۱۳.۴۳	۳۰.۸۱	۱۰.۰۱	۲۲.۹۷
۱۳۸۶	۱۴۴۹۶.۳	۴۸.۱	۲۷۳۸۰.۷	۲۲	۹۲۶۱۰.۷۷	۱۲۶۳۳۳.۶۳	۱۵.۷	۲۹.۶	۱۱.۵	۲۱.۷
۱۳۸۷	۱۶۳۶۶.۷۲	۱۲.۹	۳۳۱۳۷.۴	۲۱	۱۲۷۷۹۴.۲۲	۱۶۷۱۵۲.۵۰	۱۲.۸	۲۵.۹	۹.۸	۱۹.۸
۱۳۸۸	۸۶۰۵.۹۶	-۴۷.۴	۵۰۷۸۱.۸	۵۳	۱۶۷۲۹۹.۹	۲۰۹۰۲۹.۷۳	۵.۱۴	۳۰.۴	۴.۱	۲۴.۳
۱۳۸۹	۱۲۱۴۶.۱۵	۴۱	۷۰۶۳۸.۱	۳۹	۱۱۶۵۰۰.۱۷	۱۶۸۷۴۸.۴	۱۰.۴	۶۰.۶	۷.۲	۴۱.۹
۱۳۹۰	۲۵۱۹۴.۴۳	۱۰۷	۸۷۵۲۶.۸	۲۴	۱۵۷۸۹۲.۶	۲۲۰۴۱۷.۶	۱۶	۵۵.۴	۱۱.۴	۳۹.۷

ماخذ: سازمان امور مالیاتی کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی